

سحابی خرچنگ



نیم شوویار

ترجمه از حسن سینر روزبهانی

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه: شوویار، اریک، ۱۹۶۴ - م.
عنوان و نام پدیدآور: سحابی خرچنگ اریک شوویار؛ ترجمه مؤلف حسین روزبهانی
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۵۰-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: La Nébuleuse Du Crabe
موضوع: داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م.
موضوع: French fiction--20th century
شناسه افزوده: حسینی روزبهانی، مژگان، ۱۳۴۸ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: PQ۲۶۷۴/و۹ س۳ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۶۲۵۴۰

این کتاب ترجمه‌ای است از:

La Nébuleuse Du Crabe
Éric Chevillard
Les Éditions De Minuit, 2006



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱ تان ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، اما، سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* *

اریک شوویا،

سحابی خرچنگ

ترجمه مژگان حسینی روزبهانی

چاپ اول

۷۷۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ پُرمان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹-۳۵۰-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸

ISBN:978-600-278-350-9

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۲۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

بدترین شروع برای معرفی اریک شوویار، نویسنده فرانسوی: در سال ۱۹۶۴، در شهر روش-سور-یون^۱ به دنیا آمد. در مدرسه عالی روزنامه‌نگاری پل^۲ تحصیل کرد و ادبیات را در نانت، با خواندن یک کتاب در روز، فراگرفت: «استادها خیال می‌کنند ورلین^۳ اند و دانشجوها خودشان را مینویسند^۴ می‌دانند؛ هیچ فایده‌ای ندارد.» در بیست و سه سالگی، انتشارات مینوی^۵ نخستین کتاب او را با عنوان از مردن زکام می‌گیرم^۶ (۱۹۸۷) چاپ کرد، و بعد از آن ماقبل تاریخ^۷ (۱۹۹۴)، خیاط کوچولوی نترس^۸ (۲۰۰۴)، گوش قرمز^۹ (۲۰۰۵)، نابود کردن نیسار^{۱۰} (۲۰۰۶)، بدون او^{۱۱} (۲۰۰۷) و بسیاری از دیگر آثار او در همین انتشارات به چاپ رسیدند. به این ترتیب، شوویار جوان، همان‌طور که در رؤیایش می‌دید، کتاب‌هایش را در همان قفسه‌ای چید که زمانی کتاب‌های ساموئل بکت^{۱۲} را می‌چیدند. سحابی خرچنگ^{۱۳} (۱۹۹۳)، پنجمین کتاب شوویار، را با آثار بکت

1. La Roche-sur-Yon

2. Lille

۳. Paul Verlaine (۱۸۹۶-۱۸۴۴) شاعر فرانسوی.

۴. Arthur Rimbaud (۱۸۵۴-۱۸۹۱) شاعر فرانسوی.

5. Minuit

6. Mourir m'enrhume

7. Préhistoire

8. Le vaillant Petit Tailleur

9. Oreille Rouge

10. Démolir Nisard

11. Sans l'orang-outan

۱۲. Samuel Beckett (۱۹۸۹-۱۹۰۶) نویسنده ایرلندی، برنده جایزه نوبل ۱۹۶۹.

13. La Nébuleuse du crabe

مقایسه کرده‌اند؛ و کراب،^۱ شخصیت محوری آن، را با پرسوناژ پلوم^۲ (۱۹۳۸)، اثر معروف آنری میشو.^۳ به طور کلی، شوویار را نویسنده پسامدرن می‌دانند و سحابی خرچنگ هم رمان پسامدرنیستی است. نه داستان معلومی دارد، نه به اصطلاح سروتیه مشخصی. کراب که زندگی‌اش را در این کتاب قطعه‌قطعه و ناپیوسته می‌خوانیم شخصیت به‌گونه و محوری دارد، انگار از جنس سحابی است. گاهی همزمان انسان و خرچنگ و سحابی است؛ سحابی خرچنگ نام توده ابرمانندی در خضاست. کراب که در زبان انگلیسی (crab) به معنی خرچنگ، چنگار، سرطان و چنگای دیگر است، در زبان فرانسوی (crabe)، برای این‌که همان خرچنگ باشد، یک e کم دارد، ولی، با وجود این تفاوت املایی، تکرار نامش در رمان پیوسته یادآور خرچنگ است. کراب بازیگر نمایش زندگی خودش است، نمایشی که در پایان پرده‌ای بر آن فرو نمی‌افتد، و کراب نمایش این زندگی را از سر می‌گیرد، که می‌توان گفت «هجو بی‌رحمانه زندگی‌های مشکل‌ما» است. شوویار برای به سخره گرفتن این بیهودگنی طنز نیرومندی دارد. طنزی که از نظر او نوعی عذرخواهی از کتاب نوشتن است که ادعای خردپسندانه و نابخشودنی نویسنده است: «آدم دست‌کم می‌خنداند.» و با این همه سرجنان می‌نویسد؛ برای نوشتن رمانش طرح مشخص و ازپیش‌اندیشیده ندارد. بعد از نیمه‌شب تا صبح می‌نویسد، و روز شاید او را ببینید که کاغذ و قلم به دست، در باغ وحش یا باغ گل و گیاه، مردم را تماشا می‌کند. شوویار عادت و بره‌ای به جانوران دارد و فهرست نام آن‌ها در سحابی خرچنگ هم کمابیش بلند است. کراب موجود خیلی متفاوت و عجیب و غریبی است. برای خودش کسی است و در عین حال یکی از بی‌شمار هیچ‌کسان روی زمین است، یکی مثل همه‌ما، مثل اریک شوویار که این اثر می‌تواند شرح حال خودش باشد، یا به عبارتی جلد اول شرح حالش که دو سال بعد در یک روح^۴

1. Crab

2. Plume

۳. Henri Michaux: (۱۸۹۹-۱۹۸۴) شاعر و نقاش فرانسوی، متولد بلژیک.

4. Un fantôme

(۱۹۹۵) ادامه پیدا می‌کند. در یک روح با کراب بیشتر آشنا می‌شویم، دقیق‌تر این‌که از شناخت او ناامیدتر می‌شویم. البته اثری که زندگینامه خودنوشت شوویار شناخته می‌شود، و در واقع زندگینامه نیست، مجموعه یادداشت‌های روزانه خیال‌پردازانه اوست که از سال ۲۰۰۷ در وبلاگش با عنوان نویسنده زندگینامه تخیلی^۱ می‌نویسد و تقریباً هر سال یک عنوان جدید از آن‌ها را به چاپ می‌رساند.

زندگی کراب مثل خودش انباشته از تناقض‌هاست، در زمان و مکان معارم و قطعی نمی‌گذرد و سرگردان است. نثر شوویار در به تصویر نشان این زندگی چندان ساده نیست بلکه، مانند نثر اغلب نویسندگان پسامدرن، آمیخته با پیام و جناس و بازی‌های زبانی است که به‌خصوص برای مترجمان مضطرب دشواری‌های برگردان شعر را دارد. شوویار اقرار می‌کند که رمان را فقط یکی از انواع شعر است؛ داستان‌بافی را بی‌معنی می‌داند، حتی از شعر او اصل این داستان‌ها در زندگی آدم‌ها می‌گذرد و رمان‌هایی که بر اساس سرنوشت‌های واقعی نوشته می‌شوند از خود این زندگی‌ها موفورتر باشند و البته، چنین تعریفی از رمان نباید ما را به اشتباه بیندازد که در آثار شوویار به دنبال رمان شاعرانه بگردیم.

شوویار برای سحابی خورچنگ جایزه فنون^۲ را گرفته است. درباره اهمیت آن مبالغه نکنیم، چون در واقع نوعی جایزه حمایتی است که به نویسندگان با استعدادی اهدا می‌شود که مشکلی ندارند. البته برای کتاب‌های بعدی و مجموعه آثارش هم جایزه‌های معتبری گرفته است. با این همه، وقتی پا به دنیای شوویار می‌گذاریم، باید به یاد کردن اسم جایزه‌ها، مثل کارهایی که از کراب سر می‌زند، ابلهانه به نظر نرسد. می‌توانیم باور کنیم که نوشتن از نظر او، همان‌طور که خودش می‌گوید، «نوعی پیروز شدن» بر زندگی، و گونه‌ای «اراده قدرت» است.^۳

1. *L'Autofictif*

2. Prix Féneon

۳. در نوشتن این معرفی کوتاه، از مقاله‌ها و گفتگوهای مطبوعاتی با اریک شوویار بهره گرفتم، به‌ویژه:

Richard Robert, "Le monde selon Crab", *Les Inrockuptibles* (mensuel), n. 47, juillet 1993.

Jean-Baptiste Harang, "Chevallard dans sa coquille", *Libération* (journal), 18 février 1993.